

علل گسترش روابط روسیه و مصر پس از انقلاب‌های عربی

مرتضی اشرفی^۱ و هادی چهره‌قانی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸ / ۰۲ / ۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸ / ۰۳ / ۱۰

چکیده

انقلاب‌های عربی در خاورمیانه و شمال آفریقا که منجر به سقوط برخی نظام‌های سیاسی محافظه‌کار در این منطقه شد، جنبش اجتماعی گسترده‌ای با آثار سیاسی به دنبال داشته است، به گونه‌ای که می‌توان گفت بر اثر این تحولات، خاورمیانه در حال گذار به شرایط جدید و فاصله گرفتن از وضعیت سابق است. در اثر این جابجایی، وزن استراتژیک برخی از کشورها در حال کاهش است و در مقابل، جایگاه و وزن منطقه‌ای کشورهای دیگر در حال افزایش است. مصر از گذشته تا امروز نقش مهمی در خاورمیانه و سیاست بین‌المللی بازی کرده است و برای درک بهتر و تجزیه و تحلیل درست سیاست خارجی مصر باید به چهار نکته‌ی کلیدی که همان موقعیت ژئوپلیتیکی و جغرافیایی مصر، منافع ملی، قدرت‌های بزرگ و رهبران مصر هستند، توجه کرد. علاوه بر این، مصر هنوز مأمور حفاظت از منافع ملی اعراب است. از سوی دیگر، در پی این تحولات قدرت‌های بزرگ بین‌المللی را به شگفت درآورد. در واقع، تحولات موسوم به بهار عربی برای روسیه نیز همانند سایر قدرت‌های بزرگ نگرانی‌ها و چالش‌هایی را در بر داشته است. به طوری که دولت روسیه برای دستیابی به اهداف و منافع خود در خاور میانه ناگزیر به تغییر برخی از رویکردهای سنتی خود در این منطقه است. برای مثال صحنه لیبی نتایج نامطلوب فراوانی برای سیاست خاور میانه روسیه به همراه داشت و باعث بروز مشکلات داخلی و خارجی برای روسیه گردید و یک نوع سیاست همکاری با غرب را در پیش گرفت. در حالی که در مورد مصر روسیه توانسته بود پایه‌های محکم و قابل اعتمادی برای گسترش روابط با این کشور پی ریزی کند و به‌عنوان یک جزیره باثبات خاورمیانه عربی در صدد برآمد تا الگوی همکاری راهبردی با این کشور را در پیش گیرد.

کلید واژه‌ها: سیاست خارجی، روسیه، مصر، خاورمیانه، اخوان المسلمین، انقلاب‌های عربی.

استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰): اشرفی، مرتضی و هادی چهره‌قانی (۱۳۹۸، تابستان). «علل گسترش روابط روسیه و مصر پس از انقلاب‌های عربی». *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، سال دوم، شماره دوم، صص ۲۷۴-۲۵۳.

^۱ دکتری علوم سیاسی، استاد دانشگاه، پژوهشگر سیاسی و کارشناس مسائل اوراسیا پژوهشگاه بین‌المللی جامعه المصطفی العالمیه، پژوهشگر ارشد مسائل سیاسی اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه (س) mortezaashrafi110@gmail.com

^۲ کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی قم

۱. مقدمه

هر چند در دکترین‌های تحلیلی مصوب سیاست خارجی روسیه، کشورهای عربی شمال آفریقا خصوصاً مصر، به‌عنوان یک اولویت مطرح نشده، ولی در ارتباط مستقیم با منافع حیاتی، استراتژیک و حیثیتی این کشور تعریف می‌شود. تسلط بر سرزمین‌های شوروی سابق و جلوگیری از نفوذ ایالات متحده امریکا در این منطقه، تسری اسلام‌گرایی به روسیه و آسیای مرکزی و قفقاز، و احیای قدرت سابق روسیه به‌عنوان یک قطب مؤثر در نظام بین‌الملل، از مواردی هستند که در ارتباط با این منافع می‌باشند. وقوع بیداری اسلامی در شمال آفریقا و تسری آن به خاورمیانه سبب شد تا بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، رویکردهای متفاوتی را در منطقه خاورمیانه اتخاذ نمایند.

روسیه، به‌عنوان یکی از بازیگران فرامنطقه‌ای حاضر در منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا (مصر)، در جریان خیزش‌ها و بیداری اسلامی در منطقه که شاخص آن‌ها از لحاظ ایدئولوژیکی و تأثیرگذاری بر سایر کشورها در مصر بود، رویکرد خود را تغییر داده و در هر یک از کشورهای قیام کرده با توجه به منافع و ابزار خود، سیاستی متفاوت را اتخاذ نموده، در همین راستا مصر و موضوعات مختلف معطوف به آن، یکی از مسائلی است که روسیه، خصوصاً در دوره‌ی دوم ریاست جمهوری پوتین، توجه ویژه‌ای به این کشور دارد.

موضع‌گیری روسیه در قبال تحولات مصر در زمان تصدی‌گری اخوان و بعد از آن، در مواردی متناقض بوده، نگرانی روسیه از افزایش نفوذ آمریکا در این تحولات و بهره‌برداری این کشور از تحولات مذکور، باعث شکل گرفتن رفتارهای به ظاهر متناقض در سیاست خارجی روسیه در قبال مصر شده است. در روسیه نسبت به نوع موضع‌گیری درباره‌ی تحولات مصر اختلاف نظر وجود دارد و این اختلاف نظر می‌تواند در صحنه‌ی بین‌المللی این‌گونه ارزیابی شود که روسیه درباره‌ی موضع خود در بحران‌های ناشی از بهار عربی در مصر تردید دارد. این در حالی است که روسیه درباره‌ی از دست دادن منافع خود در این کشور نگرانی‌هایی را هم دارد. با این حال شاید راه برون رفت از این تردید-ها را در افزایش روابط دیپلماتیک میان خود و مصر دیده است، لذا تردد بالای دیپلماتیک میان مقامات مصری به مسکو و بالعکس، به‌خوبی بیانگر بروز نوعی تحرک و پویایی در سیاست منطقه‌ی عربی خصوصاً سیاست‌هایی در قبال مصر توسط روسیه و متفاوت از دهه‌های گذشته می‌باشد.

۲. مفاهیم تحقیق

هر پژوهشی مبتنی بر یک سری مفاهیم و تمهیدات نظری قدرتم یافته و شکل می‌گیرد. این تحقیق هم یک سری مفاهیمی داشته که به مهم‌ترین مباحث مفهومی این تحقیق اشاره می‌رود.

استراتژی (راهبرد): در سیاست، بسیج همه امکانات و تغییر دادن شرایط در جهت مناسب برای رسیدن به یک هدف اساسی را و بسیج و جلب همه‌ی نیروهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی برای رسیدن به هدف دراز مدت ملی، مثلاً صنعتی کردن کشور یا کشاندن سطح رفاه و قدرت ملی به مرزهای نهاده شده یک استراتژی می‌توان نامید. یک عمل استراتژیک با بسیج منابع و انسان در راستای اهداف دولت و علیه مخالفان همراه است (آشوری، ۱۳۷۳: ۲۶).

منفعت ملی: هدف اساسی و مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده‌ای که تصمیم‌گیرندگان یک دولت را در سیاستگذاری خارجی هدایت می‌کند. منفعت ملی یک کشور معمولاً یک مفهوم و برداشت از عناصری است که حیاتی‌ترین نیازهای کشور را تشکیل می‌دهند و عبارتند از: صیانت از خود، استقلال، تمامیت ارضی، امنیت نظامی و رفاه اقتصادی. که معمولاً همگی با هم در نظر گرفته می‌شوند و تعبیر منافع ملی رایج‌تر است (جک سی پلینو، ۱۳۸۴: ۴).

رویکرد سیاست خارجی: رویکردهای دوگانه رئالیستی و ایده‌آلیستی: از نظر مکتب رئالیستی عامل اصلی حاکم در کلیه‌ی روابط بین‌الملل قدرت است و لذا استفاده‌ی عاقلانه و مؤثر دولت از قدرت برای تحقق بخشیدن به منافع ملی رکن اصلی یک سیاست موفق محسوب می‌شود. از طرف دیگر مکتب ایده‌آلیستی بر این باور است که سیاست‌های مبتنی بر اصول اخلاقی بسیار کارسازتر است، چراکه این‌گونه سیاست‌ها روح هم‌بستگی و همکاری را میان کشورها افزایش می‌دهد و از رقابت و منازعه می‌کاهد. بنا بر باورهای ایده‌آلیستی، قدرت اخلاقی و همکاری‌های اقتصادی مؤثرتر و کارسازتر از قدرت فیزیکی است؛ چون پایدار و ماندنی‌تر است (جک سی پلینو، ۱۳۸۴: ۱۸). در واقع سیاست خارجی به تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیم‌گیری‌هایی مربوط می‌شود که از نظر دولتمردان یک کشور جنبه برون مرزی دارد (کاظمی، ۱۳۷۲: ۴۵).

۳. پیشینه روابط روسیه و مصر قبل از انقلاب‌های عربی

روابط روسیه با منطقه‌ی خاورمیانه از تاریخچه‌ی دیرینه‌ای برخوردار است. روسیه و ملت‌های منطقه از دیرباز با هم پیوندهای مختلف اقتصادی، فرهنگی و معنوی داشته‌اند. این روابط و پیوندهای دیرینه باعث شده که روسیه به‌عنوان یکی از بازیگران کلیدی صحنه‌ی خاورمیانه به‌خصوص در زمینه‌ی حل و فصل مناقشات و چالش‌های این منطقه مطرح باشد. از سوی دیگر کشورهای خاورمیانه نیز همواره به روسیه و سیاست خارجی آن اعتماد زیادی داشته‌اند. موضع‌گیری بی‌طرفانه و سنجیده‌ی روسیه که خواهان حل و فصل همه‌ی مسائل خاورمیانه براساس اصول حقوق بین‌الملل است، ارزش خاصی برای کشورهای منطقه دارد.

بر این اساس، در سال‌های اخیر، همکاری متقابلاً سودمند روسیه با کشورهای منطقه بیش از پیش گسترش یافته است. به‌نحوی که از یک سو دیدارهای متعددی میان رهبران روسیه و سران

کشورهای خاورمیانه صورت گرفته و از سوی دیگر مسکو سعی کرده حضور خود را در برخی از سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با خاورمیانه نظیر سازمان کنفرانس اسلامی گسترش دهد.

۳-۱. پیشینه روابط روسیه و خاورمیانه

در دوران جنگ سرد، به‌خصوص از دهه ۵۰ به بعد، اتحاد جماهیر شوروی به مدت چهار دهه نقشی کلیدی در خاورمیانه ایفا کرد. بر این اساس مسکو از سال‌های ۱۹۵۰ به بعد در چهار دوره به ایفای نقش در خاورمیانه پرداخته است:

۳-۱-۱. دوره اتحاد راهبردی

در این دوره که تا سال ۱۹۸۵ ادامه داشت، مسکو متحد راهبردی کشورهایی چون مصر (دوره ناصر)، سوریه، عراق، یمن جنوبی، لیبی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین بود و نقش مهمی را در توسعه توانایی‌های نظامی دولت‌های عربی ایفا می‌کرد. شوروی در طول دوره جنگ سرد تجهیزات نظامی این کشورها را تهیه می‌کرد، افسران آن‌ها را در مدارس نظامی خود آموزش می‌داد و مستشاران نظامی را به کشورهای متحد منطقه‌ای خود مانند مصر (قبل از ۱۹۷۲)، سوریه، لیبی، یمن، الجزایر و عراق می‌فرستاد. این فعالیت‌ها در قالب رقابت‌های شوروی با آمریکا برای نفوذ در منطقه خاورمیانه بود. این کمک‌ها با شرایط مناسب، اغلب رایگان و یا به‌صورت وام‌های بلندمدت بود که بسیاری از مواقع انتظاری به برگشت آن‌ها نیز نبود. کمک‌های اتحاد جماهیر شوروی برای تعدادی از کشورهای عربی از جنبه نظامی و ژئوپلیتیکی اهمیت داشت (Antonenko, 2001: 34). بر این اساس، حمایت از گروه‌های انقلابی و نظام‌های سیاسی ضد غربی، با آموزش‌های سیاسی، ایدئولوژیک و نظامی، ارسال سلاح و تجهیزات نظامی، حمایت اقتصادی، و جلوگیری از تهدیدات جدی برای آن‌ها از جمله کارهایی بود که مسکو انجام می‌داد. این موضوع به ویژه از سال‌های ۱۹۴۵ شدت گرفت و اوج آن حمایت از ناصر در مصر، رژیم کودتای عراق از ۱۹۵۸، یمن جنوبی، الجزایر، لیبی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین بود که صدور تسهیلات به منطقه، سفرهای دریایی ناوگان نظامی روسیه به مدیترانه و خلیج فارس و هم‌چنین التیماتوم به آمریکا و غرب در جنگ‌های اعراب و اسرائیل، انجام شد.

۳-۱-۲. دوره بازیگری محدود

در این دوره که سال‌های ۱۹۸۵ الی ۱۹۹۱ را در بر می‌گیرد، هنوز بخشی از متحدان روسیه و پایه‌های نفوذ آن در منطقه وجود داشت، اما فعالیت‌های روسیه بیش‌تر جنبه‌های اقتصادی و تجاری داشت. در این دوره که شوروی در سرانجام سقوط قرار گرفته بود، مسکو درصدد برآمد تا به بازنگری در ایدئولوژی و برنامه‌های توسعه‌ی خود روی آورد. محصول این بازنگری، رها کردن متحدان پیشین در خاورمیانه و کنار گذاشتن بسیاری از بلندپروازی‌های نظامی و امنیتی بود.

۳-۱-۳. دوره بازیگری حاشیه‌ای

در این دوره که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی آغاز شد و تا سال ۲۰۰۰ ادامه یافت، پایه‌های نفوذ روسیه در خاورمیانه به تدریج سست شد و روس‌ها صرفاً در نشست‌های چندجانبه مانند گروه ۴ حضور یافتند. در این دوره، روس‌ها با وجود برخی شعارها نظیر اتحاد راهبردی با کشورهای گوناگون، در عمل با هیچ یک از این کشورها به اتحاد دست نیافتند.

مسکو در سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳، به کلی حضور و نفوذ در خاورمیانه را رها کرد. سپس از سال ۹۳ به بعد در چارچوب سیاست «نگاه به شرق» پریماکف، در کنار چین و هند نیم‌نگاهی هم به این منطقه افکند و عقد قراردادهای نظامی و صدور سلاح پرداخت. این در حالی بود که از یک سو روسیه در موقعیتی نبود که بتواند از موضع یک کمک‌دهنده‌ی مالی بزرگ برای افزایش نفوذ سیاسی در متحدان سنتی شوروی مانند دوره قبل کمک‌های نظامی گسترده ارسال نماید و از سوی دیگر، مسکو نمی‌توانست به منطقه سلاح صادر نکند؛ چون کاملاً به درآمدهای حاصله از این امر متکی بود. بنابراین پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، همکاری‌های نظامی روسیه با دولت‌های منطقه در مقایسه با دو اصل همکاری‌های نظامی شوروی دچار تغییری مهم شد. بر این اساس تمام تسلیحاتی که طی این مدت از روسیه به کشورهای منطقه خاورمیانه فروخته شد، پروژه‌های صرفاً بازرگانی و تجاری بودند که توسط شرکت‌های صادرکننده سلاح و یا تولیدکنندگان خصوصی انجام می‌شد. این مسئله به‌خوبی درباره‌ی ایران مصداق داشت؛ زیرا به‌رغم تحریم‌ها و فشارهای آمریکا، همکاری‌های نظامی طرف‌های روسی با ایران قطع نشد. همچنین همکاری‌های نظامی روسیه با مصر، لیبی، سوریه و به‌نوعی با عراق تحت همین شرایط ادامه یافت (Antonenko, 2001: 35).

۳-۱-۴. دوره احیای نفوذ

سراغاز دوره احیای نفوذ روسیه در خاورمیانه را باید از یک سو در به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۰۰ جستجو نمود و از سوی دیگر به رخداد ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نسبت داد. این دو رویداد موجب شد که روسیه از طرق مختلف به ایفای نقش فعال در امور گوناگون خاورمیانه بپردازد.

در این دوره، روسیه برخلاف اتحاد جماهیر شوروی که یک رقابت دائمی با آمریکا برای تسلط بر منطقه خاورمیانه داشت، سیاست نسبتاً منعطف‌تری را در پیش گرفت. به‌نحوی که پس از رخداد ۱۱ سپتامبر، مسکو به واشنگتن کمک‌های زیادی در راستای مبارزه با تروریسم و سرنگونی حکومت طالبان در افغانستان نمود. با این حال پس از آن‌که ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۳ به عراق حمله کرد، روسیه به شدت به مخالفت پرداخت و از اشتباه نابخشودنی واشنگتن سخن به‌میان آورد (Trenin, 2009: 3-4). در این بین روندی که با طرح «خاورمیانه بزرگ» آغاز شد، مسیر کاملاً متفاوتی با منافع و اهداف مسکو داشت. زیرا تمام کشورهایی که طی سال‌های پس از جنگ سرد با

عناوینی چون نظام‌های سرکش و محور شرارت، آماج فشارها، تحریم‌ها و اقدامات نظامی آمریکا قرار گرفته بودند، از متحدان روسیه محسوب می‌شدند (Freedman, 2002: 12).

مجموع مسائل فوق باعث شد که روسیه سیاست‌های نسبتاً مستقلانه‌تری را نسبت به خاورمیانه در پیش گیرد. علاوه بر این، در سال‌های بعد ناکامی‌های پی در پی ایالات متحده در مهار ناآرامی‌های عراق، درگیری‌های داخلی در فلسطین میان طرفداران گروه‌های فتح و حماس، مناقشات روز افزون رژیم صهیونیستی با فلسطینیان، مناقشه‌ی هسته‌ای غرب با جمهوری اسلامی ایران و... نیز موجب شدند که روسیه نقش مؤثرتری در خاورمیانه ایفا کند. به نحوی که امروزه به نظر می‌رسد روسیه اهمیت دیرین خود را در میان کشورهای منطقه باز یافته است.

۴. جایگاه مصر در سیاست خارجی روسیه

گذشته روابط مصر و روسیه را می‌توان به دو دوره‌ی متمایز قبل و بعد از سرنگونی شوروی تقسیم کرد. دوره قبل از سرنگونی شوروی، تحت تأثیر جنگ سرد قرار داشت و دوره‌ی بعد از فروپاشی شوروی با شکل‌گیری روسیه‌ی جدید همراه بود. این دو دوره از نظر کمی و کیفی با هم متفاوت هستند.

در دوره شوروی، روسیه به دلیل مجاورت مصر در دریای سرخ و کانال سوئز، ارتباط بین دریای مدیترانه و اقیانوس هند و مجموعه‌ی خط ارتباطی از جنوب اروپا و اقیانوس هند به شمال آفریقا و به‌ویژه شمال شرق آفریقا، به این کشور توجه می‌کرد.

در این دوره شاهد تغییراتی در نگاه شوروی به شاخ آفریقا، شمال و شمال شرق این قاره به‌ویژه مصر بودیم. از این منظر، این مناطق حوزه بسیار استراتژیکی بود و مسکو سرمایه‌گذاری‌های سنگینی در این منطقه کرد.

در همین راستا با تحولات درونی در مصر، روس‌ها موفق شدند که موقعیت خود را در مصر تثبیت و در بخش‌های نظامی و اقتصادی، چون ساخت سد آسوان بر روی نیل (که پروژه سنگین آن دوران بود و به‌عنوان پروژه‌ای موفق مطرح شد)، کار کنند. بعد از مرگ ناصر و روی کار آمدن انور سادات، فضای مصر به سمت غرب و توسعه مناسبات با کشورهای غربی پیش رفت. در این زمان نفوذ روسیه در مصر کم‌تر شد و نگاه مسکو بیش‌تر به سمت لیبی و الجزایر در شمال آفریقا، و سوریه و عراق در خاورمیانه معطوف شد. در دوره بعد از فروپاشی شوروی، روسیه جدید در دوران حکومت یلتسین تلاش کرد حضور خود را در خاورمیانه بیش‌تر در سایه همکاری با آمریکا تداوم بخشد. چنان‌چه مشارکت روسیه در کمیته چهار جانبه به اصلاح صلح خاورمیانه (که بیش‌تر جنبه‌ی

نمادین پیدا کرد و در عمل نتوانست نه بر رفتار فلسطینی‌ها و نه بر رفتار رژیم تل آویو تأثیرگذار باشد) نیز زیر سایه‌ی سیاست‌های امریکایی‌ها در منطقه‌ی خاورمیانه قرار گرفت.

در ادامه‌ی حضور کم‌رنگ روس‌ها در معادلات منطقه‌ی راهبردی خاورمیانه حتی در دوره‌ی نخست وزیر یوری پریماکوف (معمار سیاست خارومیانه‌ای روسیه در اواخر دهه ۹۰ میلادی) نیز کاری از پیش نبرد. البته مسکو تلاش می‌کرد روابط خود را با الجزایر، لیبی و تا حدی هم عراق قبل از صدام تقویت کند، اما نفوذ و حضور گذشته را نداشت.

نقطه اوج شکست سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در مسأله لیبی بروز پیدا کرد. چنان‌چه در دو سال آخر دوره ریاست جمهوری مدودوف (۲۰۱۰-۲۰۱۲)، وی به خیال بازسازی در روابط امریکا و روسیه، به چورکین نماینده روسیه در سازمان ملل دستور داد به قطعنامه حمله به لیبی رأی ممتنع دهد. روسیه انتظار داشت این اقدام موجب همکاری بیش‌تر واشنگتن با مسکو شود. زیرا روسیه با این رأی، در عمل از متحد دیرینه خود یعنی قذافی چشم‌پوشی نمود و خدمت بزرگی به غرب کرد. اما امریکایی‌ها در مقابل با استقرار سپر دفاع موشکی، تا حدی درخواست امتیازات بیش‌تری از روسیه کردند. این امر، نوعی سرخوردگی را در اواخر حکومت مدودوف در کرملین ایجاد کرد.

مصر در دوران حکومت یک‌ساله مرسى با ایران و روسیه زاویه پیدا کرد. چرا که مرسى مانند اخوانی‌های حاکم بر حزب عدالت و توسعه در ترکیه، تصور غلطی مبنی بر اینکه مردم سوریه علیه دیکتاتوری مبارزه می‌کنند داشته و تفاوتی بین حرکت مردم با حرکت نیروهای مسلح غیر سوریه که در سوریه می‌جنگیدند، قائل نبود (اطهری، ۱۳۹۳: ۴۱؛ Kornilov and Kolobov, 2011: 22-23; Trenin, 2009: 3-4).

۵. روابط روسیه با مصر

با توجه به اهمیت و جایگاهی که خاورمیانه در سیاست خارجی روسیه دارد، روس‌ها طی سال‌های اخیر به برقراری و توسعه روابط خود با کشورهای منطقه پرداخته‌اند. بر این اساس به نظر می‌رسد برخی از کشورهای منطقه در سیاست خاورمیانه‌ای روسیه از اهمیت و جایگاه بیش‌تری برخوردار باشند که از آن جمله می‌توان به مصر اشاره نمود (Mulaj, 2007: 2-3).

۵-۱- روسیه و خاورمیانه جدید

وقایع شمال آفریقا و خاورمیانه که از یک سو در پی آزادی سیاسی، چرخش نخبگان، پایان فساد، فروپاشی نیروهای امنیتی و از سوی دیگر، دنبال برقراری حقوق عادلانه، حرمت اجتماعی و برابری شهروندان است، نه تنها جهان عرب را به لرزه درآورده، بلکه سایر کشورها را نیز در خصوص گسترش آن بیم‌ناک کرده است. این جنبش که به تغییر و تحول جدی در دو کشور تونس و مصر

منجر شد و آبدستن تغییرات جدی در سایر کشورها نظیر یمن، لیبی، بحرین، کویت، اردن، سوریه، عربستان سعودی و... گشت، برای روسیه نیز با بیم و امیدهایی همراه شد. بر این اساس یکی از مسائلی که از زمان آغاز اعتراضات جهان عرب مورد بحث و بررسی قرار گرفت، آینده روسیه و میزان تأثیرپذیری این کشور از بهار عربی بود. این مسئله هنگامی شدت گرفت که «میخائیل گورباچف»، آخرین رئیس‌جمهور و رهبر حزب کمونیست شوروی سابق، ضمن انتقاد از وضعیت سیاسی روسیه، روند احیای دموکراسی در این کشور را بسیار کند و ناقص دانست و اعلام کرد که اگر عناصر خودکامگی در حکومت روسیه به همین شکل ادامه یابد، احتمال وقوع حوادثی مثل مصر افزایش خواهد یافت (Weir, 2011: 172).

اگرچه هشدار گورباچف دارای ابعاد و زوایای مهمی بود، اما با توجه به این که نظام‌های سیاسی در کشورهای عربی و روسیه متفاوت هستند، لذا نمی‌توان انتظار وقوع رویدادهای خاورمیانه را در داخل روسیه داشت. البته به رغم وجود تفاوت‌های عمیق میان سیاست و حکومت در روسیه با مصر و تونس، با این حال نگرانی‌های روسیه پایان نمی‌پذیرد. بر این اساس روسیه دست کم به پنج دلیل از قیام مردم خاورمیانه و شمال آفریقا بیم‌ناک است. این دلایل عبارتند از:

۱. روسیه نگران منافع و آینده روابط خود با کشورهای منطقه است.
۲. الگو شدن قیام‌های عربی و گسترش آن به کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز (Ivanov, 2011: 235).
۳. گسترش بیداری اسلامی در خاورمیانه و تأثیر آن بر مسلمانان روسیه به خصوص در قفقاز شمالی.
۴. تشدید موج دموکراسی‌خواهی در داخل روسیه با استناد به یک نظرسنجی که توسط مؤسسه «لوادا پول»^۱ برگزار شد.
۵. افزایش حضور نظامی غرب به خصوص آمریکا در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا.

۵-۲- دلایل اهمیت مصر و خاورمیانه برای روسیه قبل از وقوع انقلاب‌های

عربی

منطقه‌ی خاورمیانه به لحاظ موقعیت استراتژیک، وجود ذخایر قابل توجه انرژی و محور اتصال قاره آسیا و اروپا، به شدت مورد توجه و علاقه‌ی دولت‌ها و کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گرفته است. روسیه به‌عنوان یک بازیگر بزرگ جهانی توجه بسیاری را به این منطقه مبذول داشته

¹. levada poll

است. این کشور همان قدر که منافع خود را در ارتباط با غرب می‌داند، توجه به آسیا را در برنامه خود قرار داده است و در این بین به خاورمیانه به عنوان نقطه‌ی کلیدی میان این دو توجه بسیاری دارد.

سابقه‌ی سیاست خاورمیانه‌ای روسیه به روابط تزاری با کشورهای منطقه می‌رسد؛ به آن زمان که روسیه تزاری با پیشروی در شمال ایران با نفوذ سیاسی - نظامی بریتانیا در کشور همسایه‌اش یعنی ایران مقابله می‌کرد. در این دوره مهم‌ترین مسئله‌ی شرق (برای روسیه) تصرف و کنترل تنگه‌های دریای سیاه و انضمام قسطنطنیه بود. روسیه کمونیستی، کارگران مسلمان شرق را متحدانی تلقی می‌کرد که در منازعه‌ی انقلابی با استعمار و سرمایه‌داری غرب مقابله می‌نمایند و پس از جنگ دوم جهانی، زمانی که اتحاد شوروی به یک ابرقدرت تبدیل شد، نقش سیاسی، نظامی و اقتصادی فعال‌تری را در خاورمیانه ایفا نمود که در جنگ سرد میان اتحاد شوروی و ایالات متحده به نمایشی بدل گردید. در حقیقت، سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در هر مرحله از تاریخ این کشور شاهد تغییر و تحولات متأثر از برهه تاریخی خاص بوده است (Trenin, 2013: 14). هم‌جواری جغرافیایی میان منطقه خاورمیانه و مرزهای روسیه سبب شده تا این کشور امنیت خود را در گرو امنیت این منطقه بداند. بدین معنا که بروز هرگونه اختلال در صلح و ثبات منطقه ممکن است امنیت روسیه را به مخاطره انداخته و قطع‌نظر از منافع اقتصادی، این کشور را وارد منازعاتی ویرانگر و خطرناک می‌سازد. علت اصلی این نگرانی، نیز آن است که بیش از بیست میلیون مسلمان در نوار جنوبی این کشور خصوصاً در بخش قفقاز شمالی ساکن هستند. افزایش نرخ زاد و ولد مسلمانان در روسیه به موازات کاهش جمعیت اسلاوی ارتدوکسی روسیه، این نگرانی را تشدید نموده است (Cohen, 2007: 3).

به‌طور کلی در یک جمع‌بندی کلی می‌توان دلایل اهمیت مصر و خاورمیانه قبل از انقلاب‌های عربی برای روسیه را این‌گونه تبیین نمود:

۱. هم‌جواری جغرافیایی: مسافت میان گروژنی - پایتخت چین - و موصل عراق تقریباً ۶۰۰ مایل می‌باشد.
۲. حضور گسترده مسلمانان: با فروپاشی شوروی انزواطلب، دیگر هیچ دیواری وجود ندارد که مسلمانان روسیه را از سایر مسلمانان در ترکیه، ایران، افغانستان و جهان عرب جدا نماید.
۳. ظهور مذهب و آشفتگی‌های سیاسی در جهان اسلام: ایده‌های رادیکال و جنگ طلب از خاورمیانه به قفقاز شمالی در روسیه و جمهوری‌های مرکزی آن - تاتارستان - و آسیای مرکزی خواهد رسید.
۴. اقتصاد و دستیابی به انرژی: روسیه خود را یک قدرت انرژی می‌داند و به دنبال فرصت‌هایی خارج از مرزهای خویش می‌باشد.

۵. حضور ایالات متحده در منطقه: به دلیل تمرکز بر منطقه و حضور نظامی آن در عراق و افغانستان، روسیه توجه زیادی را به این منطقه مبذول داشته است (Trenin, 2010: 3-6).

۵-۳- انگیزه‌ها و اهداف روسیه در خاورمیانه

آنچه مسلم است سابقه‌ی سیاست خاورمیانه‌ای روسیه محدود به طول عمر اتحاد جماهیر شوروی و روسیه‌ی فعلی نیست. در واقع سابقه‌ی سیاست خاورمیانه‌ای روسیه به روابط روسیه تزاری با کشورهای منطقه می‌رسد؛ به آن زمان که روسیه تزاری با پیشروی در شمال ایران با نفوذ سیاسی - نظامی بریتانیا در کشور همسایه‌اش یعنی ایران مقابله می‌کرد. در حقیقت سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در هر مرحله از تاریخ این کشور شاهد تغییر و تحولات متأثر از برهه‌ی تاریخی خاص بوده است. در ارتباط با انگیزه‌ها و اهداف سیاست خارجی روسیه در منطقه خاورمیانه، نگرش‌ها و تحلیل‌های متفاوتی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را از وجهی در قالب دو رهیافت امنیتی و سیاسی تقسیم‌بندی نمود و از سوی دیگر با در نظر گرفتن وجوه اشتراک داخلی و رویکرد خارجی، اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی، در نگاهی دقیق‌تر علل فعال‌تر شدن سیاست خاورمیانه‌ای این کشور را در چهارگزینه:

۱. رویارویی با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا؛
۲. دستیابی به نقشی بین‌المللی به‌عنوان قدرتی جهانی؛
۳. گسترش روابط اقتصادی با کشورهای منطقه و ایجاد و بسط بازار خاورمیانه‌ای برای روسیه؛
۴. تأثیرگذاری بیش‌تر بر مسلمانان روسیه

خلاصه کرد. در واقع از این وجه دلایل فعال‌تر شدن سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در سه دسته علل جهانی، منطقه‌ای و داخلی قابل تحلیل و بررسی است (Rivlin, 2005: 88).

۶. انقلاب مصر و سیاست خارجی روسیه در قبال آن

مصر به‌عنوان پرجمعیت‌ترین کشور عربی، از چند دهه گذشته جزء تأثیرگذارترین بازیگران در خاورمیانه محسوب می‌شود. این کشور که در طول سی سال گذشته تحت حاکمیت حسنی مبارک و سیاستمداران حزب دموکراتیک ملی بوده است، در عرصه‌ی داخلی شاهد سکون و ثبات نسبی بوده و مبارک تلاش می‌کرد تا از هرگونه تغییر در ساختار قدرت ممانعت به عمل آورد (ابراهیمی، ۱۳۹۰: ۱۲۰). در تحولات مصر نیز بسترها و ریشه‌های اعتراضات، به متغیرهای مختلفی به‌خصوص فضای بسته سیاسی و اقتدارگرایی نظام سیاسی، معضلات و چالش‌های اقتصادی مردم و حتی

جهت‌گیری‌های سیاست خارجی دولت مبارک، نسبت داده می‌شود؛ مسائلی که در شعارهای مردم در اعتراضات و درخواست‌های گروه‌های سیاسی نیز آشکار است. مهم‌ترین درخواست‌های معترضین و گروه‌های سیاسی مخالف مصر شامل کنار رفتن حسنی مبارک از قدرت، اصلاح قانون اساسی و برگزاری انتخابات آزاد و دموکراتیک، ایجاد فضای باز سیاسی و آزادی بیان و اصلاحات اقتصادی بود (صالحی، ۱۳۹۰: ۹۷).

به هر حال در ژانویه ۲۰۱۱ برخلاف بسیاری از تصورات رایج، یک خیزش عمومی و فراگیر در مصر شروع شد و با استمرار آن، حکومت مبارک سقوط کرد. بسیاری از تحلیل‌گران با عنایت به پایداری اقتدارگرایی و ساخت متصلب حکومت مبارک و ضعف پیوندهای افقی بین کنش‌گران مدنی و جریان‌های سیاسی - اجتماعی مهم به دلیل شکاف‌های سیاسی و ایدئولوژیک بین آن‌ها، بر این باور بودند که دست‌کم در کوتاه‌مدت شاهد سقوط مبارک نخواهند بود (ابودوح، ۲۰۱۱: ۱۱۱).

آن‌ها بر این نظر بودند که در صورت استمرار جنبش‌هایی مانند الکفایه با شعار تغییر برای مصر به‌ویژه پس از ورود البرادعی به عرصه‌ی سیاسی و مبارزاتی مصر حکومت مبارک به ناگزیر باید پاره‌ای اصلاحات سیاسی نسبتاً محدود انجام دهد. به‌علاوه این‌که حمایت قدرت‌های خارجی و امریکا نیز بر استمرار حکومت تأثیر خواهد گذاشت. با وجود این حکومت مبارک در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ سقوط کرد.

۱-۶. علل بلندمدت و عوامل ساختاری در جنبش مردم مصر

علل بلندمدت انقلاب مصر ریشه در ساختار اقتصادی وابسته و ساختار سیاسی استبدادی و چندین دهه استمرار اقتدارگرایی حاکمان این کشور و به‌ویژه سه دهه حکمرانی بلامنازع حسنی مبارک دارد. به‌طور کلی مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت مبارک که بحران‌های عمیقی را در جامعه مصر ایجاد کرده بود، عبارت‌اند از:

۱-۱-۶. ساختار سیاسی استبدادی حکومت و عدم گردش نخبگان

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت مصر که موجب نارضایتی مردم شد و زمینه‌های قیام مردم مصر را فراهم آورد، ساختار سیاسی استبدادی، فرسودگی حکومت و عدم گردش نخبگان بود. ساختار سیاسی استبدادی این کشور یکی از عواملی است که به حسنی مبارک اجازه داده بود در عرصه‌ی سیاست داخلی با «مشت بسته» به مدت طولانی حکم‌فرمایی و با کنترل و سرکوب احزاب و گروه‌های ملی و اسلامی، توقیف مطبوعات منتقد و تقلب در انتخابات و فقدان چرخش قدرت، زمینه‌های نارضایتی عمومی را فراهم کند. سه دهه حکومت بلامنازع مبارک بر این کشور، باعث شده بود که اکثر مردم او را مسئول رنج‌ها و مشکلات خود تلقی کنند (Osman, Tarek, 2010: 186).

۶-۱-۲. شخصی بودن قدرت

ویژگی مهم دیگر حکومت مبارک که با گذشت زمان چشم‌گیرتر به نظر می‌رسید، شخصی بودن قدرت بود؛ به‌گونه‌ای که تمام قدرت در شخص مبارک متمرکز شده بود و نهادهای سیاسی، از جمله نهاد ریاست جمهوری کارکرد خود را از دست داده بودند (Osman, Tarek, 2010: 187).

۶-۱-۳. دموکراسی صوری و سرکوب سیاسی

در چند دهه‌ی اخیر، حکومت نوعی کثرت‌گرایی هدایت‌شده و به شدت محدود را به‌عنوان یک سازوکار صوری دموکراسی و در راستای بقای سیاسی حکومت اقتدارگرای خود به شکل تاکتیکی برگزیده بود. در مصر سیزده حزب تأسیس شده‌اند که از بین آن‌ها پنج حزب مهم‌تر بوده‌اند که عبارت‌اند از: حزب دموکراتیک ملی (حزب حاکم)، حزب لیبرال وفد جدید، حزب کارگران سوسیالیست اسلامی، حزب اوسط (مابینه)، حزب تاگامو (حزب وطن پرستان وحدت‌طلب مترقی) و حزب دموکراتیک عرب. رژیم مصر برای دموکراتیک جلوه دادن حکومت، به تعداد بسیار زیادی از انجمن‌ها نیز ظاهراً اجازه فعالیت می‌داد (Blaydes, Lisa, 2011: 238; Osman, Tarek, 2010: 188).

۶-۱-۴. فساد گسترده در طبقه حاکم

بدون شک بارزترین پدیده‌ای که نقش مؤثری در شکل‌گیری اعتراضات اخیر داشته، فساد اقتصادی گسترده در میان خانواده مبارک و کارگزاران وابسته بوده است. در خصوص فساد خانواده مبارک گفته می‌شود آن‌ها بین ۴۰ تا ۷۰ میلیون دلار ثروت اندوختند (Goldstone, 2011: 3) در مصر دوره مبارک، فساد اقتصادی و اداری حاکمان به حدی رسیده بود که دولت، ارزش پوند مصری را بنابر منافع برخی افراد ذی‌نقوذ، که در کار خرید و فروش ارز فعالیت می‌کردند، بالا و پایین می‌برد. (ابودوح، ۲۰۱۱: ۴۲).

۶-۱-۵. مشکلات ساختاری اقتصادی و جلوه‌های اجتماعی آن

منطقه‌ی خاورمیانه به دلیل اهمیت ژئوپلیتیک ویژه خود و نیز ویژگی‌های دینی و مذهبی، جمعیتی، سرزمینی، نظامی و منابع طبیعی ارزشمند، در درازای تاریخ همواره کانون توجه دول بیگانه و قدرت‌های استعماری بوده است. دولت‌های اروپایی در راستای تحکیم جایگاه استعماری خود به دخالت در امور داخلی و معادلات قدرت در خاورمیانه پرداختند. آن‌ها در زمینه‌ی اقتصادی راه دوستی و همکاری با زمین‌داران بزرگ و به‌عبارت دیگر پشتیبانی از فئودال‌ها را در پیش گرفتند و مانع از پا گرفتن و بالندگی اقتصاد ملی شدند. ساختار اقتصادی ملی در سایه مخالفت‌های فئودال‌های برخوردار از پشتیبانی نظامی دولت‌های استعماری، مجال رشد و خودنمایی نیافت. دولت‌های استعماری، از آن رو که در خاورمیانه عربی پابرجا ماندن فئودالیت را در راستای منافع خود می‌دیدند، به پشتیبانی نظامی از آن پرداختند و دست فئودال‌ها را باز گذاشتند تا راه را بر شیوه‌های جدید تولید

ثروت ببندد. لذا در جوامع خاورمیانه عربی، طبقه متوسط در سایه هم‌دستی طبقه‌ی فئودال و دولت‌های استعماری فرصت بالندگی نیافته است. آن‌چه امروزه در این جوامع به چشم می‌آید، تاخت و تاز بورژوازی وابسته (کمپرادور) است؛ زیرا بورژوازی ملی به علت ماهیت اجتماعی که دارد، مایه‌ی توسعه و رونق اقتصادی و به عبارت دیگر تولید اقتصادی می‌شود. پس از رسیدن کشورهای عربی به استقلال، از دل پیوند میان دولت‌های استعماری و طبقه‌ی فئودال، بورژوازی وابسته (کمپرادور) بیرون آمد. آن‌چه امروزه در این جوامع به چشم می‌آید، تاخت و تاز بورژوازی وابسته (کمپرادور) است (آجرلو، ۱۳۹۰: ۱۴).

از زمانی که انورسادات، سیاست اقتصادی درهای گشوده را برگزید، سطح زندگی مصری‌ها به نحو چشم‌گیری تنزل یافته است. حذف یارانه‌های کالاهای اساسی که بنابر پیشنهاد بانک جهانی و در جهت ادغام مصر در اقتصاد جهانی صورت گرفت، ناآرامی‌های معروف به «انتفاضه نان» را در پی داشت. این امر در کنار گسترش نارضایتی‌های داخلی ناشی از صلح با اسرائیل منجر به کاهش شتاب آزادسازی اقتصادی شد. با این حال این جریان هیچ‌گاه متوقف نشد. به‌ویژه در دهه‌ی سوم حکمرانی مبارک، قاهره انجام اصلاحات نئولیبرال را ادامه داد؛ اصلاحاتی که نهادهای اقتصادی غربی را خشنود می‌ساخت و نمودارهای رشد قابل توجهی به وجود می‌آورد. اما این اصلاحات اکثریت قاطع مصری‌ها را زمانی در برگرفت که فقر در حال رشد بود و زیرساخت‌ها ویران شده بود (Lynch, Marc, 2011: 31).

با توجه به فساد گسترده ناشی از لیبرالیزاسیون بدون نظارت مصر، که نرخ رشد ۷/۲ درصدی سال ۲۰۰۸ به خوبی آن را نشان می‌دهد، اوضاع اقتصادی مصری‌ها نه تنها بهبود نیافت، بلکه با بالا گرفتن نرخ تورم و افزایش بیکاری، فشارهای اقتصادی افزایش یافت. بیکاری در سال ۲۰۰۹ به حدود ۲۵ درصد رسید که اغلب دامن‌گیر جمعیت جوان مصر بود؛ و تورم در سال ۲۰۰۸ به ۱۸ درصد رسید (شرکه التدریب و التنمیه العالمیه، ۲۰۰۹: ۲۰). این وضعیت اقتصادی، در حالی مصری‌ها را تحت فشار قرار می‌داد که این کشور هم‌چون سایر کشورهای عربی با جهش جمعیت جوان روبه‌رو بود؛ به‌نحوی که جوانان بین ۱۵ تا ۲۹ سال بیش از یک، سوم جمعیت آن را تشکیل می‌دادند (ابودوح، ۲۰۱۱: ۱۱۳).

در تبیین انقلاب مصر، صرف اکتفا به ریشه‌های نارضایتی و تأکید بر عوامل ساختاری انقلاب کافی نیست؛ از این رو باید به بررسی عوامل هدایت‌کننده‌ی روند انقلاب نیز توجه کرد. در تبیین روند و تداوم فرآیند انقلاب، نقش چالش‌گران و چگونگی ظهور افراد یا ائتلاف‌هایی که هر یک برای دستیابی به حکومت، خواهان حذف دیگری‌اند، بسیار اساسی است. انقلاب بزرگ مردم مصر با توجه به شیوه‌های نوین آن، به انقلاب پست‌مدرن یا انقلاب سفید مشهور است. این انقلاب را جمهوری دوم نیز می‌دانند. به عبارتی، جمهوری اول به دوره زعامت جمال عبدالناصر برمی‌گردد. دگرگونی‌های مصر بازیگران متعددی را وارد صحنه ساخت و برای اولین بار، در سپهر سیاسی آن

کشور جریان‌های مختلف و گوناگون اپوزیسیون اسلام‌گرا، لیبرال و چپ مصری را حول محور هدفی یگانه گرد هم آورد. بنابراین، می‌توان این‌گونه بیان داشت که گروه‌های اصلی دعوت‌کننده در روز ۲۵ ژانویه که مصادف بود با اولین برگزاری نماز جمعه اعتراضی (جمعه خشم) عبارت‌اند از: جنبش ۶ آوریل متشکل از گروه خالد سعید و جوانان اخوان حمایت‌کننده از البرادعی، جنبش جوانان عدالت و آزادی و گروهی از جوانان حزب جبهه مردم‌سالاری و حرکت الغد. این گروه‌ها ابتدا در فیس‌بوک و با الهام از انقلاب تونس، اقدام به راه‌اندازی صفحه فیس‌بوکی «جمعه خشم» کردند. بلافاصله، جنبش تغییر مردمی دموکراسی (حشد) و اتحاد جوانان التجمع و گروه‌های ناصری و حتی جوانان حزب الوفد و جبهه جوانان قبطی به این دعوت شبکه‌ای پیوستند و این‌گونه بود که انقلاب ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ مصر رقم خورد (تمامی، ۲۰۱۱: ۴).

۷. نتیجه‌گیری

گذشته روابط مصر و روسیه را می‌توان به دو دوره متمایز قبل و بعد از سرنگونی شوروی تقسیم کرد. دوره قبل از سرنگونی شوروی، تحت تأثیر جنگ سرد قرار داشت و دوره‌ی بعد از فروپاشی شوروی با شکل‌گیری روسیه جدید همراه بود. این دو دوره از نظر کمی و کیفی با هم متفاوت هستند.

در دوره شوروی، روسیه به دلیل مجاورت مصر در دریای سرخ و کانال سوئز، ارتباط بین دریای مدیترانه و اقیانوس هند و مجموعه خط ارتباطی از جنوب اروپا و اقیانوس هند به شمال آفریقا و بویژه شمال شرق آفریقا، به این کشور توجه می‌کرد. در این دوره شاهد تغییراتی در نگاه شوروی به شاخ آفریقا، شمال و شمال شرق این قاره به‌ویژه مصر بودیم. از این منظر، این مناطق حوزه‌ی بسیار استراتژیکی بود و مسکو سرمایه‌گذاری‌های سنگینی در این منطقه کرد. در همین راستا با تحولات درونی در مصر، روس‌ها موفق شدند که موقعیت خود را در مصر تثبیت و در بخش‌های نظامی و اقتصادی، چون ساخت سد آسوان بر روی نیل کار کنند. بعد از مرگ ناصر و روی کار آمدن انور سادات، فضای مصر به سمت غرب و توسعه مناسبات با کشورهای غربی پیش رفت. در این زمان نفوذ روسیه در مصر کم‌تر شد و نگاه مسکو بیش‌تر به سمت لیبی و الجزایر در شمال آفریقا، و سوریه و عراق در خاورمیانه معطوف شد.

در دوره بعد از فروپاشی شوروی، روسیه جدید در دوران حکومت یلتسین تلاش کرد حضور خود را در خاورمیانه بیش‌تر در سایه‌ی همکاری با امریکا تداوم بخشد. چنانچه مشارکت روسیه در کمیته چهار جانبه به اصلاح صلح خاورمیانه که بیش‌تر جنبه‌ی نمادین پیدا کرد و در عمل نتوانست نه بر رفتار فلسطینی‌ها و نه بر رفتار رژیم تل‌آویو تأثیر گذار باشد، نیز زیر سایه‌ی سیاست‌های امریکایی-ها در منطقه خاورمیانه قرار گرفت.

در ادامه حضور کم‌رنگ روس‌ها در معادلات منطقه راهبردی خاورمیانه حتی در دوره نخست وزیری پریماکوف نیز کاری از پیش نبرد. البته مسکو تلاش می‌کرد روابط خود را با الجزایر، لیبی و تا حدی هم عراق قبل از صدام تقویت کند، اما نفوذ و حضور گذشته را نداشت.

نقطه اوج شکست سیاست خاورمیانه‌ای روسیه در مساله لیبی بروز پیدا کرد. چنانچه در دو سال آخر دوره ریاست جمهوری مدودوف (۲۰۱۰-۲۰۱۲)، وی به خیال بازسازی در روابط امریکا و روسیه، به چورکین نماینده روسیه در سازمان ملل دستور داد به قطعنامه حمله به لیبی رأی ممتنع دهد. روسیه انتظار داشت این اقدام موجب همکاری بیشتر واشنگتن با مسکو شود.

مصر در دوران حکومت یکساله مرسی با ایران و روسیه زاویه پیدا کرد. از سال ۲۰۱۱ و با شروع دوره سوم ریاست جمهوری آقای پوتین، وی سعی کرد سیاست خاورمیانه‌ای روسیه را بازسازی کند. به همین دلیل هم شاهد آن هستیم که تغییر قابل توجهی در نگاه روسیه به خاورمیانه رخ داد، که نقطه اوج آن را می‌توان در مساله سوریه و وتو کردن دو قطعنامه برضد سوریه دانست.

به نظر می‌رسد چنانچه تحول غیر منتظره‌ای رخ ندهد، دیر یا زود عبدالفتاح السیسی بتواند وجهه مورد نظر خود را کسب کند. اگرچه اقدام به برکناری مرسی، رئیس جمهور قانونی مصر و اعمال قانون اساسی که به نظامیان اختیارات و قدرت بیش‌تری می‌بخشد، موجب خدشه‌دار شدن چهره‌ی وی شد، ولی در مقابل تلاش کرد با نزدیک شدن به روسیه، مانند جمال عبدالناصر که در زمان وی روابط خوبی بین قاهره و شوروی برقرار بود، شخصیتی نزدیک به وی از خود به نمایش گذاشته و محبوبیت بیش‌تری کسب کند. با این حال احتمالاً نظامیان مصر قبل از هر چیز به دنبال برقراری ثبات در این کشور هستند و همین امر موجب جلب نظر اسرائیل، آمریکا و غرب نیز خواهد شد. زیرا مهم‌ترین مسأله برای اسرائیل، ثبات در کشورهای همسایه آن است و مهم‌ترین تهدید برای این رژیم نیز وجود حکومت‌هایی با گرایش‌های مبهم است. به علاوه روسیه نیز همواره پایبندی خود را به امنیت اسرائیل نشان داده و از هرگونه اقدامی که برای آن تهدید آمیز باشد اجتناب می‌کند. بنابراین بعید به نظر می‌رسد اسرائیل در نهایت مخالفت گسترده‌ای با همکاری روسیه و مصر کند.

نکته دیگر آن که به رغم همه مشکلات موجود در روابط آمریکا و مصر، همکاری‌های نظامی میان این دو کشور هنوز هم بسیار قوی است. با این حال برخلاف تصور ایالات متحده، مصر تنش‌های داخلی خود را ناشی از تحولات سیاسی نمی‌داند، بلکه از نگاه قاهره این چالش‌ها ناشی از فعالیت گروه‌های تروریستی در کشور و قاچاق سلاح از مرزهای لیبی، سودان و نوار غزه است. بنابراین ثبات در مصر بار دیگر موجب تعادل در روابط این کشور با سایر دولت‌ها و از جمله قدرت‌های بزرگ خواهد شد. ضمن این که هنوز زمینه‌های همکاری استراتژیک و دائم کشورهای منطقه با روسیه فراهم نشده است. اگرچه در این مقطع زمانی کشورهای منطقه احساس کردند که قدرت جهانی در حال تغییر است و حمایت قاطع پوتین از سوریه توجه اعراب را جلب کرد؛ اما وضعیت

نهایی سوریه و رویکرد غرب و آمریکا به مصر و خاورمیانه، شرایط همکاری دائمی را تعیین خواهد کرد.

عمده‌ترین چالش افزایش روابط همه جانبه مصر و روسیه، نقش آمریکا و اسرائیل است. در این حال آن‌ها با همه امکانات خود تلاش خواهند کرد با تطمیع، دادن امتیازهای مختلف و گاه تهدید مصر، جلو افزایش روابط مصر و روسیه را بگیرند. در واقع امریکایی‌ها در منطقه نفوذ بالایی دارند و روابط ویژه‌ای با ارتش مصر دارند و از این نفوذ بهره می‌برند. در این حال آغاز دور جدید روابط مصر و روسیه حرکتی متهورانه هم از سوی روسیه و هم از سوی نظامیان مصر است.

روسیه به‌گونه‌ی فرصت طلبانه‌ای تلاش کرده تا از این فرصت تاریخی بهره ببرد. طرف مصری هم رفتاری غیرمنتظرانه انجام داده است. در این بین به‌نظر می‌رسد منافع دو کشور در گسترش مناسبات باشد. در این حال، سرعت این گسترش بستگی به این امر دارد که موانع در روابط برطرف گردد. اگر مصری‌ها موفق به گذر از کارشکنی غرب و اسرائیل در آینده روابط با روسیه گردند، این روابط گسترش بیش‌تری خواهد یافت.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- آجرلو، علی (۱۳۹۰). «خیزش مردمی در شمال آفریقا و خاورمیانه عربی (تهدیدات و فرصت‌های پیش روی ایران)»، **بصائر**، س ۲۸، ش ۳۰۷.
- ابراهیمی، نبی‌الله (۱۳۹۰). «تأثیر شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای در وقوع و تکوین انقلاب‌های عربی»، **مطالعات راهبردی**، س ۱۴، ش ۲.
- ابودوح، خالد کاظم (۲۰۱۱) «ثوره ۲۵ کانون الثانی / ینایر فی بر مصر... محاوله للفه السوسیولوجی»، **المستقبل العربی**، مایو ۲۰۱۱.
- احمدی، حمید (۱۳۹۰). **جامعه‌شناسی سیاسی جنبش‌های اسلامی: اسلام‌گرایان و مسأله دموکراسی در مصر**. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- احمدی، حمید و آرش بیدالله خانی (۱۳۹۱). «روابط مصر و اسرائیل؛ پیشینه، چالش‌ها و چشم‌اندازهای آینده»، **فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی**، شماره ۱۴، تابستان، ۷۰-۳۵
- اسپوزیتو، جان و جان وال (۱۳۸۹). **جنبش‌های اسلامی معاصر**. تهران: نشر نی.
- اسداللهی، مسعود (۱۳۹۱). **بیداری اسلامی و تحولات منطقه: مقدمه‌ای بر شناخت بیداری اسلامی در جهان عرب**. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- امیدی، علی و فاطمه رضایی (۱۳۹۰)، «عثمانی‌گرایی جدید در سیاست خارجی ترکیه: شاخص‌ها و پیامدهای آن در خاورمیانه»، **فصلنامه روابط خارجی**، سال سوم، شماره ۳، ۲۶۷-۲۳۱
- انوشه، صبری (۱۳۸۶)، «مناسبات مصر و اسرائیل در سه دهه اخیر»، **مطالعات آفریقا**، شماره ۱۶، پاییز و زمستان، ۱۲۲-۷۵
- الوافی، محمد(بی‌تا). «عملکرد شگرف شبکه تلویزیونی قطری: «الجزیره» بدیلی در صحنه سیاسی»، ترجمه منوچهر مرزبانیان.
- بذرافکن، مجید و مهدی جاودانی مقدم (۱۳۹۱). **بیداری اسلامی؛ در نظریه و عمل: بیداری اسلامی و جنبش اسلامی در خاورمیانه**. به کوشش اصغر افتخاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- بصیری، محمدعلی و صدرالله حسنی بلیانی (۱۳۹۰)، «تأثیر بیداری اسلامی خاورمیانه و نابرابری‌های اجتماعی جامعه اسرائیل بر امنیت و ثبات این رژیم»، **پژوهش‌های سیاسی**، شماره ۱، پاییز، ۱۱۶-۱۰۱
- تمامی، عبدالحی، «شباب الاحتجاج غیر الحزب غیاب الایدولوجیه والقیاده»، **دوحه و للدراسات الجزیره**.
- جوان پور، عزیز و میر قاسم بنی‌هاشمی (۱۳۹۰)، «جنبش‌های انقلابی عرب؛ چشم‌اندازها و چالش‌های الگوی نوین دولت»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال چهاردهم، شماره دوم، تابستان، شماره مسلسل ۵۲، ۱۱۰-۷۹
- حسینی فائق، سید محمد مهدی (۱۳۹۱). **بیداری اسلامی و تحولات منطقه‌ای: بیداری اسلامی و آینده روابط مصر و اسرائیل**. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

- الحسینی، اسحاق موسی (۱۳۷۷)، **اخوان المسلمین؛ بزرگترین جنبش اسلامی معاصر**، ترجمه سید هادی خسرو شاهی، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ دوم
- حسینی، مختار و دیگران (۱۳۸۱). **برآورد استراتژیک مصر (سرزمینی-سیاسی-نظامی)**. ج ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- خالد کاظم ابودوح، «نحوه سوسیولوژیا جدیده لفهم ثوره المصریین»، **الديمقراطيه**، مایو ۲۰۱۱، العدد ۴۲، ابریل.
- خسروشاهی، سید هادی (۱۳۹۲). **اخوان المسلمین چه می‌گویند و چه می‌خواهند؟** قم: بوستان کتاب، مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- دلیرپور، پرویز (۱۳۹۰)، «دورنمای اسلام سیاسی در مصر»، **اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، شماره ۲۸۵، پاییز، ۱۶۲-۱۷۵
- دهقانی فیروزآبادی، سید خلال و مهدی فرازی (۱۳۹۱). **بیداری اسلامی؛ ملاحظات ایرانی و غربی: بیداری اسلامی و امنیت ملی رژیم صهیونیستی**. ویراستار علمی اصغر افتخاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ذاکری، قاسم (۱۳۹۰). «بررسی آخرین وضعیت روابط اقتصادی-انرژیک مصر و اسرائیل»، **فصلنامه مطالعات منطقه‌ای**، شماره ۴۱، تابستان، ۵۹-۸۰
- ذوالفقاری، مهدی، «جنبش‌های مردمی در جهان عرب: بهار عربی یا بیداری اسلامی؟» قابل دسترسی در **سایت مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه**.
- رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۹۲). «بررسی تحولات انفلابی کشورهای عربی از منظر لیبرالیسم، سازه‌نگاری و نظریه روابط بین‌الملل»، **فصلنامه روابط خارجی**، شماره ۱۸، تابستان، ۲۲۱-۲۴۳
- سلطان شاهی، علیرضا (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی و مساله فلسطین: اخوان المسلمین و قضیه فلسطین»، **پانزده خرداد**، شماره ۳۱، بهار، ۳۲۵-۳۵۲
- سیدنژاد، سیدباقر (۱۳۸۹). «مطالعه تحلیلی و تطبیقی سیاست خارجی ایران با نظریه سازه‌نگاری»، **علوم سیاسی**، سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار، ۲۳۶-۲۱۶
- شرکه التدریب و التنمیه العالمیه، (۲۰۰۹). **دراسة حول نظام النزاهة الوطني: مصر ۲۰۰۹**. منظمه الشفافیه العالمیه.
- صراف یزدی، غلام‌رضا و علی باقری زاده، «سقوط مبارک و تأثیر آن بر روابط مصر و اسرائیل»، **اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، شماره ۲۸۵، پاییز، ۱۹۳-۱۷۶
- عبدالمجید، وحید (۱۳۷۹). **کمپ دیوید پس از دو دهه**. ترجمه مهرداد کیایی، تهران: نشر اطلاعات.
- قهرمان پور بناب، رحمان (۱۳۸۲)، «اسرائیل و مصر در خاورمیانه پس از صدام»، **راهبرد**، شماره ۲۸، ۱۱۶-۱۰۳
- محارب، محمود(بی‌تا). **اسرائیل و انقلاب مصر(کتاب خاورمیانه ۸)**؛ ویژه اسلام‌گرایی و بیداری اسلامی در خاورمیانه. تهران: مؤسسه ابرار معاصر تهران.

- محمودیان، محمد (۱۳۹۱). «جنبش اخوان المسلمین و آینده سیاست خارجی مصر»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال ۱۵، شماره اول، بهار، شماره مسلسل ۵۵، ۱۲۳-۱۰۳
- مرادی، وحید (۱۳۹۱)، **بیداری اسلامی؛ ملاحظات ایرانی و غربی: الگوی رفتار سیاسی اخوان المسلمین مصر پس از انقلاب ۲۵ ژانویه**. ویراستار علمی دکتر اصغی افتخاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- مسعودنیا، حسین و سارا نجف پور (۱۳۸۸). «اخوان المسلمین مصر: از بنیادگرایی اسلامی تا مشارکت دموکراتیک»، **رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، شماره ۱۹، پائیز، ۱۶۵-۱۴۱
- مسعودنیا، حسین و ندا سعیدی حیزانی (۱۳۸۹). **مروری بر روابط خارجی رژیم صهیونیستی**. تهران: موسسه تحقیقات و پژوهش‌های علمی نداء، انتشارات نداء زیتون.
- مسعودنیا، حسین و ندا سعیدی حیزانی (۱۳۹۱). «بررسی عوامل سقوط رژیم حسنی مبارک و چشم انداز تحولات کشور مصر»، **دانش سیاسی**، شماره ۱۵، بهار و تابستان، ۱۹۴-۱۶۳
- موحدی ساوجی، محمد حسین (۱۳۸۴). «اخوان المسلمین، سیاست، جهان بینی، اهداف و اصول»، **مطالعات آفریقا**، شماره ۱۲، پائیز و زمستان، ۱۸۰-۱۱۳
- موسی، منیرالدین زارع (۱۳۸۹). «سیاست و نقش مصر در آفریقا»، **مطالعات آفریقا**، شماره ۲۲، پاییز و زمستان، ۱۰۱-۸۱
- نورانی، امیر (۱۳۹۱). «مصر، بیداری اسلامی و الگوی ایران»، **مطالعات انقلاب اسلامی**، بهار ۱۳۹۱، شماره ۲۸، ۲۱۴-۱۹۱
- وبر، ماکس (۱۳۷۴). **اقتصاد و جامعه**. ترجمه عباس منوچهری و دیگران، تهران: سمت.

- Antonenko. Oksana, 1March 2001, "Russian's Military Involvement in the Middle East," MERIA, Vol.5.
- Blank, Stephan J (2007). "U.S. Interest In Central Asia and Their Challenges ,"in <http://www.StrategicStudiesInstitute.army.mil/>, (accessed on: 25 June 2009).
- Blaydes, Lisa(2011). **Elections and Distributive Politics in Mubaraks Egypt**, Cambridge University Press.
- Dannreuther, Ronald(2004). "Russia and the Middle East," in the Middle East's Relations with Asia and Russia, Edited by Hannah Carter and Anoshirvan Ehteshami, London: Routledge Curzon
- Freedman. Robert O.(Mar 1998). "Russia and Israel under Yeltsin," **Israel Studies**,
- Freedman. Robert, 2 June 2002, "Putin and the Middle East" **Middle East Review of International Affairs**, vol. 6, Issue.
- Golan. Galia(1988). **The Soviet Union and National Liberation Movements in the Third World**, Boston: Unwin Hyman

- Golan. Galia(1990). **Soviet Policies in the Middle East from World War Two to Gorbachev**, Cambridge: CambridgeUniversity Press
- Goldstone, Jack A. (2011). Understanding the Revolutions of 2011, ForeignAffairs, May/ June: [http //www. Foreignaffair. Com/ articles/67694/Jack- a-goldston/understanding- the- revolution](http://www.Foreignaffair.Com/articles/67694/Jack-a-goldston/understanding-the-revolution).
- Ivanov. Eugene, 15 March 2011, CONSEQUENCES OF THE “ARAB UPRISING”, Russia Beyond the Headlines(<http://rbth.ru>).
- Katz. Mark N.(2010). Russia's Greater Middle East Policy: Securing Economic Interests, Courting Islam, NISCenter, Vision n.49
- Kemp. Geoffrey & Saunders. Paul, 2003, America, Russia, and the Greater Middle East: Challenges and Opportunities, The NixonCenter, Washington, DC, November
- Kolobov. Oleg & Kornilov. Alexander, 2011, MIDDLE EAST POLICY OF RUSSIA UNDER PRESIDENT MEDVEDEV: STRATEGIES, INSTITUTES, FACES, Moscow Time, 16/02/2010, Russia, Israel agree to boost economic ties
- Mulaj. Klejda(2007). **Russia in the Middle East: Friend or Foe?**, GulfResearchCenter
- NATIONAL SECURITY CONCEPT OF THE RUSSIAN FEDERATION, 2000, Approved by Presidential Decree No. 24, (<http://www.fas.org/nuke/guide/russia/doctrine/gazeta012400.htm>).
- National Security Strategy of the Russian Federation to 2020, 2009, Approved By Decree of the President of the Russian Federation, President of Russia (www.kremlin.ru), No.537, 12 May
- Nekhai. Oleg(2011). “Russia, Israel to boost space cooperation”, **Moscow Time**.
- Nizameddin. Talal(1999). **Russia and the Middle East: Towards a New Foreign Policy**, New York: St. Martin's Press
- Oliker. Olga, Crane. Keith, Schwartz. Lowell H. and Yusupov. Catherine, 2009, Russian Foreign Policy; Sources and Implications, Published byRAND Corporation
- Osman, Tarek(2010). **Egypt on the Brink From Nasser to Mubarak**, University Press.
- Perkovich. G., Mathews. J., Cirincione. J., Gottemoeller. R., Wolfsthal. J.(2005). **Universal Compliance; A Strategy for Nuclear Security**, Washington, DC.CEIP
- Russian Public Opinion on Unrest in the Arab World, 6 July 2011, RUSSIAN ANALYTICAL DIGEST No. 98,
- Steven Seidman, Contested Knowledge; Social Theory in Post modern Era 2 ed. Oxford: Blackwell Publisher
- The Foreign Policy Concept of the Russian Federation, 12 July 2008, President of Russia (www.kremlin.ru).

- Trenin, Dmitri(2009). Russia's Policy in the Middle East: Prospects for consensus and conflict with the United States, A Century foundation Report, The Carnegie Endowment
- Waltz, K (1979). **Theory of International Politics**, NewYork: Random House.
- Weir. Fred, 22 February 2011, Medvedev rebuffs Gorbachev's warning of 'Egyptian scenario' in Russia. Who's right?, The Christian Science Monitor.



پیشکش گاہ علوم انسانی و مطالعات اسلامی
پرتال جامع علوم انسانی